

سیمای قیامت در قرآن و سنت

نویسندگان: محمد حسن آهنگر¹، دکتر ولی الله حسومی²

1 کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان - ایران

پست الکترونیکی: m.ahangar1353@gmail.com

2 استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان

پست الکترونیکی: hasoomi_valiullah@yahoo.com

چکیده

اعتقاد به قیامت به عنوان یک اعتقاد محوری در تمام ادیان آسمانی وجود دارد هرچند در برخی ادیان تحریف شده این عقیده تضعیف و حتی نادیده گرفته شده است. در قرآن کریم این موضوع به صراحت و با ذکر جزئیات مطرح شده است و باور به آن به عنوان یک عامل بازدارنده از گناه مورد توجه قرار گرفته است. نظر به اینکه قیامت و باور به آن از عقاید مهم دین و حیانی اسلام است و در حوزه‌ی تجربه نمی‌گنجد، برای بررسی ویژگی‌ها و امور مربوط به آن باید به آموزه‌های و حیانی مراجعه کرد. بر این اساس مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این باور از نگاه قرآن و سنت می‌پردازد. طبق بررسی‌های انجام گرفته قیامت به طور قطع روزی برپا خواهد شد و با برپایی آن، انقلابی بزرگ در هستی رخ خواهد داد زمین دچار تغییرات مهمی شده و تمام مخلوقات در محضر حضرت حق حاضر خواهند شد.

کلید واژه: قیامت، قرآن، سنت.

قیامت در لغت

در لغت قیامت از قیام، خیزش و برخاستن است؛ و در اصطلاح، برخاستن انسان از خاک و حضور در عالم پس از مرگ. (ابن منظور، 2008م، ج 12، ص 506) قیامت ایستادن انسان در روز قیامت است، که در اصل به معنای یکه و ودفعه ایستادن است و «ها» که داخل بر قیام شده است نشان دهنده دفعی بودن این قیام می باشد. (راغب اصفهانی، 1374ش، ج 1، ص 691)

قیامت صغری و قیامت کبری

هر کس می میرد قیامت صغرای او بر پا می شود «من مات قیامت قیامته» (مازندرانی، 1382ق، ج 4، ص 274) و سرآغازی است برای پاداش و کیفرها که بخشی جنبه برزخی دارد و بخش دیگری در قیامت کبری یعنی قیامت عمومی انسانها دامانشان را می گیرد، و در هیچ یک از این دو مرحله نه چاره جویی ها مؤثر است، و نه در برابر اراده الهی یار و یآوری وجود دارد.

هول قیامت صغری مثل هول قیامت کبری است، با این فرق که در قیامت صغری هولش فردی است و در قیامت کبری هولش جمیع خلق را فرا می گیرد. (مکارم شیرازی، 1374ش، ج 22، ص 465)

قرآن به قیامت از ابعاد و جهات مختلف توجه داده است و در ذیل واژگانی چون القیامه، الساعة، یوم، امر الله، واقعه، حاقه و مانند آن، موضوعات و مسائل و مطالب چندی را مطرح و تبیین و تحلیل نموده است. از جمله مطالبی که درباره قیامت می توان در آموزه های قرآنی یافت، موضوعاتی چون آخرت، حسابرسی، حشر، میزان، معاد، بهشت، دوزخ، عذاب ها و پاداش های اخروی و مانند آن است. خداوند در قرآن به صراحت بر حتمی بودن وقوع آن اشاره و تأکید می کند و آن را امری برگشت ناپذیر برمی شمارد. (آل عمران/9، روم/43، شوری/47 و واقعه/1 و 2) در تحلیل قرآنی، گردآوردن انسان ها در قیامت وعده حتمی خداوند است و هرگز نمی توان آن را منکر کرد و به تکذیب وقوع آن پرداخت. (نساء/87، هود/103، دخان/40، تغابن/9).

وقوع قیامت حتمی است

از نظر آموزه های قرآنی، وقوع رستاخیز و قیامت به امر تکوینی، خدا، مسأله ای غیر قابل انکار و تکذیب است (انعام/73، نحل/77 و غافر/78) چنان که برپایی قیامت، برای خداوند آسانتر از چشم بر هم نهادنی است. (نحل/77) هرچند که علم درباره زمان وقوع آن، امری در انحصار خداوند است (لقمان/34، احزاب/63 و فصلت/47 و آیات دیگر) ولی این امر محتوم و قطعی در زمان خود اتفاق می افتد و از نظر زمانی بر اساس آموزه های قرآنی، در زمانی نزدیک است و به زودی رستاخیز برپا خواهد شد، هرچند که برای بسیاری از مردم

امری بعید به نظر می رسد که می تواند بعید از نظر اتفاق تحقیقی آن باشد، چنان که کافران و تکذیب کنندگان قیامت بر این باورند، یا می تواند بعید از نظر زمانی باشد که باور بسیاری از توده های مردم است. (طه / 15، احزاب / 63، شوری / 17، قمر / 1 و نیز معارج / 6).

قیامت و معاد دغدغه همگانی بشریت است؛ زیرا از زمانی که با مرگ آشنا شد، از ماهیت آن پرسش هایی مطرح کرد و تلاش نمود تا با شناخت ماهیت مرگ از ادامه زندگی آگاهی یابد. لذا با مسأله معاد و بازگشت ارواح و جان ها و حتی انسان ها همراه با کالبد جسمانی، آشنا می شود.

مهمترین سوالی که انسان ها از پیامبران داشتند مسأله معاد و چگونگی تحقق و وقوع آن بود. همین مسأله حتی برای پیامبران اولوالعزمی چون حضرت ابراهیم (علیه السلام) مطرح بوده و وی با آن که از وقوع آن علم حصولی داشت، خواهان آگاهی شهودی نسبت به این واقعه می شود که در داستان پرندگان قرآن به آن اشاره شده است.

آن حضرت (علیه السلام) پس از امکان تحقیق قیامت با شهود عینی و ملموس، به این اطمینان رسید که رستاخیز امری محتوم و قطعی است و اتفاق خواهد افتاد و کیفیت و چگونگی آن را نیز به چشم عیان دید. (بقره / 260)

خداوند در آیاتی چند گزارش می کند که یکی از پرسش های مکرر مردم از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره زمان وقوع قیامت بوده است. به این معنا که توده های مردم به واسطه آموزه های وحیانی با اصل قیامت آشنا شدند، ولی همواره مسائل و مطالب پیرامونی آن، دغدغه ذهنی و فکری آنان بوده است. (اعراف / 187، نبا / 1-2، نازعات / 42)

فلسفه و هدف قیامت

شاید آگاهی از فلسفه قیامت و هدف از برپایی آن بتواند معنا و مفهوم درستی از زندگی و مرگ نیز ارائه دهد و شیوه های درست زندگی را در پیش روی ما بگشاید و ما را از غفلت رهایی بخشد. از این رو در اینجا نگاهی به فلسفه و اهداف قیامت در تحلیل قرآنی خواهیم داشت.

خداوند در قرآن برای برپایی قیامت، اهدافی چند برشمرده است که عبارتند از: رحمت، حساب و کتاب، پاداش به صالحان، کیفر طالحان، جداسازی میان صفوف حق و باطل، جزاء و کیفر بندگان و برپایی عدالت کامل و اجرای آن در حق بندگان. خداوند برخورداری مردم از رحمت خداوندی را از فلسفه های برپایی و تحقق قیامت برمی شمارد. (انعام / 12) در حقیقت، قیامت، نوعی تکریم و اکمال و اتمام رحمت الهی بر مردم است، زیرا در قیامت است که انسان ها، می توانند از زندگی جاودانه بهره مند شوند و از آرامش و آسایش ابدی سود برند؛ هرچند که شماری از انسان ها، با انتخاب نادرست و غلط خویش، خود را در شقاوت ابدی و جاودانه گرفتار می کنند. ولی اصل قیامت و فلسفه وجودی آن، رحمت الهی به بندگان و آفریده های خود است.

بی گمان، شرایط دنیا نمی تواند زمینه های احقاق حق و اجرای عدالت کامل و تمام خداوند نسبت به بندگان مکلف و عاقلی باشد که با انتخاب آزاد و اراده مختار خویش، رفتارهای دوگانه و متضادی را در پیش گرفته اند. از این رو خداوند از اهداف برپایی قیامت را قیام و اجرای عدالت و برخورداری هر فرد از نتایج اعمال مختار خویش برمی شمارد. (احقاف/ 19)

در حقیقت با حسابرسی اعمال بندگان بر مبنای قسط و عدل در قیامت است که هر کسی به حق عادلانه خویش می رسد. از این رو حسابرسی نیز به عنوان فلسفه برپایی قیامت مطرح می شود. (انبیاء/ 47، معارج/ 26) خداوند پاداش دادن به مؤمنان دارای عمل صالح را از علل برپایی رستاخیز برمی شمارد و نیز کیفر نمودن تلاشگران علیه آیات خدا و آموزه های وحیانی را از جمله این علل معرفی می کند. (سبا/ 3-4-5) در حقیقت جزا و کیفر و پاداش بندگان، از اصلی ترین و اساسی ترین علل و فلسفه وجودی قیامت و هدف از برپایی آن است که در قرآن کریم بر آن تأکید شده است. (ص/ 26-28، معارج/ 26) قرآن جداشدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان را فلسفه تحقق رستاخیز معرفی می کند. (سبا/ 26، نبأ/ 17)

بنابراین می توان گفت که از آن جایی که دنیا قابلیت و شأنیت این امور را ندارد و شرایط برای تحقق آن کافی نیست، قیامت به عنوان مکمل دنیا برپا می شود و رستاخیز تحقق می یابد تا به این امور به طور کامل رسیدگی شده و حق مطلب چنان که شایسته و بایسته است ادا شد.

فایده بحث از قیامت

در قرآن کریم، قریب به هزار و چهارصد آیه درباره قیامت است؛ در حالی که آیات مربوط به فقه و احکام عملی از پانصد آیه تجاوز نمی کند. (قربانی، 1363، ص 74) علت این تأکید آن است که قرآن عامل اصلی انحراف انسانها از مسیر الهی را فراموشی روز قیامت می داند: «إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ آنان که از راه خدا گمراه شوند، برای آنها عذاب سختی است به دلیل آن که روز حساب را فراموش کرده اند. (ص/ 26) دلیل آن هم روشن است: وقتی انسان قیامت را فراموش کرد به حیات دنیوی راضی می شود؛ در نتیجه فقط به فکر امور دنیوی خویش خواهد بود و همین باعث می شود هر چه در توان دارد برای خویش انجام دهد؛ هر چند منجر به اذیت و ظلم به دیگران شود. در چنین حالتی، آنچه حرف اول را می زند منفعت شخصی است. فراموشی قیامت در مواردی بروز می کند که ما به دو مورد آن که در قرآن نیز آمده است، اشاره می کنیم:

الف) انسانی که قیامت را فراموش کرد، در زمینه اقتصادی سعی می کند آنچه برای او مفید است، انجام دهد؛ هر چند برای دیگران مضر باشد؛ مثلاً وقتی حقی بر گردن کسی دارد، سعی می کند به نحو کامل بگیرد اما هنگامی که

به دیگران متاعی می‌دهد، از آن می‌کاهد و کمتر می‌دهد: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ؛ وای به حال کم‌فروشان! آنان که چون به کیل یا وزن چیزی از مردم بستانند، تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل یا وزن کم دهند.» (مطففین / 3-1) در حالی که حتی گمان به قیامت کافی است تا آنها را از این کار باز دارد و با مردم همانگونه برخورد نمایند که دوست دارند مردم با آنان معامله کنند: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ آیا گمان نمی‌کنند که آنها برانگیخته می‌شوند؛ آن روز روز بزرگی است؛ روزی است که مردم در حضور پروردگار عالم برای حساب می‌ایستند» (مطففین / 6-4)

ب) اگر این باور در انسان تقویت شود که آنچه انجام می‌دهد، از بین نخواهد رفت و اگر عمل خوبی انجام داد پیش خداوند محفوظ مانده و جزا داده می‌شود و اگر عمل بدی را مرتکب شد، سزای آن را خواهد دید، تمام سعی خود را صرف جلب رضایت پروردگار خواهد کرد. از طرف دیگر، یکی از نکاتی که قرآن کریم، آن را امر انسانی تلقی می‌کند، توجه به محرومین جامعه است که موجب می‌شود فقر که عامل بسیاری از بدبختیهای اجتماع است، از بین برود.

اثبات قیامت

برای اثبات قیامت دلایل مختلفی وجود دارد که در اینجا به طور اختصار به دو مورد اشاره می‌شود:

الف) عبث نبودن خلقت

شکی نیست که آفریدن هستی می‌بایست بر اساس حکمتی صورت گرفته باشد؛ چرا که فعل بیهوده و بی‌هدف، از هیچ عاقلی سر نمی‌زند چه برسد به خداوند متعال که حکیم و عاقل علی‌الاطلاق بلکه خالق عقل است. اگر سیر انسان به قیامت منتهی نشود تا به اعمال او رسیدگی شود، خلقتش و به تبع آن، وجود شرایع و ارسال رسل، لغو خواهد بود؛ زیرا آنچه انسان در این عالم انجام دهد هیچ انعکاسی نخواهد داشت و رشد و عدم رشد انسان بی‌معنا بوده بلکه وجود انبیا و شرایع امری بیهوده خواهد بود. مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: «اگر از جانب خدا حسابی در کار و پاداشی در پیش نباشد، دعوت دینی که مجموعه‌ای از فرمانهای خدا و اوامر و نواهی اوست، کمترین اثری در بر نخواهد داشت؛ وجود و عدم دستگاه نبوت و تبلیغ در اثر مساوی خواهد بود بلکه عدم آن بر وجودش رجحان خواهد داشت؛ زیرا پذیرش دین و پیروی از مقررات شرع و آیین خالی از کلفت و سلب آزادی نیست و در صورتی که متابعت آن اثری در بر نداشته باشد هرگز مردم زیر بار آن نخواهد رفت... تأمل در آفرینش انسان و جهان و همچنین در غرض و هدف شرایع آسمانی، در پیش بودن چنین روزی (روز

رستاخیز) را روشن می‌سازد. ما وقتی که در کارهایی که در آفرینش تحقق می‌پذیرد، دقیق می‌شویم، می‌بینیم که هیچ کاری بدون غایت و هدف ثابت انجام نمی‌پذیرد. هرگز خودِ کار به طور اصالت و استقلال مطلوب نیست بلکه پیوسته، مقدمه هدف و غایتی است... آفرینش انسان و جهان، کار خداست و خدا منزله است از این که کار بیهوده و بی هدف انجام دهد... پس ناچار برای آفرینش جهان و انسان هدف و غرض ثابتی در کار است. البته سود و فایده آن به خدای بی نیاز بر نخواهد گشت و هرچه باشد به سوی آفریده‌ها عاید خواهد شد. پس باید گفت جهان و انسان به سوی یک آفرینش ثابت و وجود کاملتری متوجه اند که فنا و زوال نپذیرد.» (طباطبایی، 1378ش، صص 160 - 158).

شهید مطهری برای این مسأله، مثال روشنی ذکر می‌کند: «جنین که در رحم است اعضا و جوارح (چشم، گوش، جهاز تنفس و...) برایش خلق می‌شود. جنین در رحم یک زندگی گیاهی دارد ولی در رحم تجهیزاتی به او داده شده است که در عالم رحم به کار نمی‌آید؛ مثلاً این چشم برای زندگی گیاهی رحم نیست. اگر بنا باشد که همیشه دوره زندگی جنینها این باشد که وارد رحم می‌شود و آخر نه ماه زندگی آنها پایان پذیرد، این خلقت، تناسب با این زندگی ندارد. آیا این آیات که می‌گوید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون/ 115) نمی‌خواهد این مطالب را بفهماند که همین طوری که درباره یک جنین در رحم اگر کسی زندگی گیاهی او را ببیند و بر زندگی بعد حساب باز نکند، خلقت عبث است، ای انسان! اگر روی خودت حساب نکنی و خیال کنی همین زندگی دنیایی هستی خلقت خود را عبث فرض کردی. (مطهری، 1373ش، ص 75)

به همین جهت مادیین که اعتقاد به خدا و معاد ندارند، زندگی را پوچ و بی هدف می‌شمرند، و راستی هم زندگی دنیا منهای حیات رستاخیز، پوچ و بی هدف است به همین دلیل هر کس ایمان به خدا و حکمت او دارد، نمی‌تواند انکار کند که با مرگ انسان حیات او برچیده نمی‌شود. این عالم حکم رحم مادر را دارد که انسان را به صورت یک جنین در خود پرورش می‌دهد و آماده تولد ثانوی در جهان دیگر می‌سازد. مسلماً زندگانی جنینی در رحم هدف نیست، بلکه مقدمه است برای یک زندگی گسترده دیگر. (مکارم شیرازی، 1375ش، ج 5، ص 244)

ب) عدم تخلف خداوند از وعده و وعید

خداوند متعال به مؤمنین، وعده داده است که به ثواب اعمال خود خواهند رسید و به مجرمان وعید داده است که سزای اعمالشان را خواهند دید: «إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ؛ بازگشت شما همه به سوی او خواهد بود؛ این به حقیقت وعده خداست که او در اول خلق را بیافریده و آنگاه به سوی خود بر

می‌گرداند تا آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند به عدل و احسان، ثواب و جزای خیر دهد و آنان که کافر شدند، به کیفر کفرشان به شرابی از حمیم دوزخ و عذابی دردناک معذب گرداند. «(یونس / 4)

خداوند متعال خلف وعده نمی‌کند؛ زیرا انجام ندادن وعده و وعید یا ناشی از عدم قدرت است که ذات اقدس الهی بر همه چیز قادر است: «أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حج / 6) یعنی: اوست که مرده‌ها را زنده می‌کند و به درستی که او بر همه چیز قادر است. یا برای آن است که چیزی او را مجبور کند تا از وعده و وعید دست بردارد؛ در حالی که چیزی نمی‌تواند حضرتش را مجبور کند: «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» (بقره / 116) یعنی: همه در برابر او خاضع و خاشع هستند.

از آن‌جا که خداوند حکیم است و بیهوده وعده و وعید نمی‌دهد و قادر علی‌الاطلاق است و هستی همه در برابر او خاضع هستند. و چیزی او را مجبور نمی‌کند، پس باید قیامتی باشد تا وعده و وعید جامعه عمل بپوشد: «رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ؛ پروردگارا! به درستی که تو مردم را در روزی که شکی در آن نیست، جمع خواهی کرد. به درستی که خداوند خلف وعده نخواهد کرد.» (آل عمران / 9)

ج) برهان عدالت

می‌دانیم از اوصاف خداوند «عدالت» است، که نشانه‌های آن در جای جای عالم هستی، در آسمان‌ها، در زمین، در وجود انسان، در ضربان قلب و گردش خون، و بالاخره در سراسر جهان دیده می‌شود. هر کس مختصر آشنایی با علوم طبیعی داشته باشد، می‌داند همه موجودات جهان از قانونمندی برخوردارند. حاکمیت این قوانین حساب شده است که به دانشمندان اجازه می‌دهد کتاب‌های علمی را بر اساس اصول دقیق تنظیم کنند، حتی مثلاً برنامه‌های دقیق سفرهای فضایی و ورود به کرات دیگر را مرتب نمایند. پس به هر سو بنگریم، قانون نظم و عدالت را می‌یابیم که بر همه چیز سایه افکنده است. آیا انسان می‌تواند یک وصله ناجور در این عالم باشد و از عدالت عمومی جهان بر کنار بماند؟ مسلماً نه.

از سوی دیگر: تاریخ گذشته انسان و حوادث امروز به خوبی نشان می‌دهد که احقاق حق مظلومان و کیفر ظالمان هرگز در این جهان به طور کامل انجام نشده، و امکان انجامش نیست. جنایتکاران تاریخ مانند بوش، صدام و شارون را که شاهد جنایات و کشتار و ظلم آنان بوده و هستیم، چگونه می‌شود در دنیا به مجازات واقعی شان رساند؟

پس عدالت حاکم بر این عالم (که پرتوی از عدالت خدا است) ایجاب می‌کند روزی فرا رسد که پرونده اعمال همه انسان‌ها بدون استثنا با دقیق‌ترین حساب مورد بررسی قرار گیرد، و این همان روزی است که قیامت و رستاخیزش می‌نامیم. (سعیدی مهر، 1383ش، ج 2، ص 274)

اوصاف و ویژگی های قیامت

خداوند در قرآن برای قیامت اوصاف و ویژگی هائی را بیان می کند که از جمله آنها، بزرگی و عظمت قیامت است. به این معنا که قیامت روزی بزرگ و با عظمت است که انسان ها با آن مواجه خواهند شد و در برابر خداوند یکتا و یگانه می ایستند. (انعام/ 15 ، اعراف/ 59 و یونس/ 15 و آیات دیگر)

این روز از جهات دیگر نیز بزرگ و عظیم است، زیرا روزی طولانی است که گویی برای آن پایانی نیست، چرا که هر روز قیامتی به اندازه پنجاه هزار سال دنیوی است (معارج/ 4) البته در سوره سجده، از نظر زمانی، طول هر روز آن به اندازه هزار سال گفته شده است که به نظر می رسد روزهای آن همانند روزهای کوتاه و بلند تابستان متفاوت باشد. (سجده/ 5)

اما آنچه به نظر درست تر می آید، ارتباط کوتاهی و بلندی روز قیامت با موضوعات و متعلقات آن باشد؛ زیرا در آیه 4 سوره معارج از مسأله عروج فرشتگان و روح سخن به میان آمده که این عروج در مدت زمانی اتفاق می افتد که پنجاه هزار سال دنیوی است ولی عروج امر الهی، در مدت زمان کوتاه تری اتفاق می افتد. این تفاوت همانند تفاوت سرعت حرکتی نور با سرعت صوت می باشد. چنان که سرعت نور بیشتر است و در زمانی کمتر به مقصد می رسد و زمانی را که صوت می پیماید تا به مقصد برسد بلندتر و طولانی تر است، همچنین، عروج امر از نظر زمانی برای بازگشت، کوتاه تر از زمان بازگشت روح و فرشتگان است. براین اساس، مراد آن نیست که روزهای قیامت از نظر کوتاهی و بلندی متفاوت است، بلکه به معنای آن است که سرعت عروج امر الهی بیشتر از سرعت عروج فرشتگان و روح است؛ زیرا سرعت بازگشت یک روزه امر الهی، به اندازه ای است که معادل هزار سال دنیوی است ولی سرعت بازگشت یک روزه فرشتگان و روح به اندازه پنجاه هزار سال دنیوی می باشد. با این همه، نباید فراموش کرد که روزهای قیامت بلند و طولانی است، زیرا مفهوم عظیم (انعام/ 15) و کبیر (هود/ 3) می تواند افزون بر بزرگی و عظمت وجودی آن رخداد، اشاره ای نیز به بلندی و طولانی بودن روز بزرگ داشته باشد.

خداوند از قیامت به عنوان روزی هولناک و وحشت زا یاد می کند که خود بر عظمت و بزرگی آن می افزاید. (قمر/ 46) همچنین توصیف قیامت به روزی سخت و مشقت بار خود بیانگر بزرگی و عظمت آن روز از جهات دیگر است. (هود/ 26، حج/ 1-2، انسان/ 10-27 و آیات دیگر) و قیامت را روزی فراگیر و گسترده از شر و عذاب بر می شمارد و به انسان ها نسبت به آن روز هشدار شدید می دهد. (انسان/ 7)

همچنین در سوره مطففین، از قیامت به عنوان «یوم عظیم» یاد می کند و ضمن هشدار به کم فروشان می فرماید: «آیا آنان گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند در روزی بزرگ؟! روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند» (مطففین/ 6)

احوال قیامت

خداوند در سوره حج برای ترسیم عظمت قیامت از آن به زلزله قیامت یاد می کند و می فرماید: «ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید که زلزله رستاخیز امر عظیمی است» و برای به تصویر کشیدن سختی آن روز می فرماید: روزی که آن را می بینید (آن چنان وحشت، سراپای همه را فرا می گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند هر زن بارداری، جنین خود را سقط می کند و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند بلکه عذاب خدا شدید است. (حج/1-2)

آیه فوق یکی از صریحترین آیات در بیان احوالات قیامت است که تصویرسازی دقیق و زیبایی از آن روز ارائه می دهد به طوری که برای هیچ انسان عاقل غیر غافلی کوچکترین تردیدی باقی نمی ماند که برپایی قیامت همراه با وحشت و سختی و هول و هراس برای مردم خواهد بود و لذا حواس خود را جمع کرده و از هم اکنون که فرصت چند روزه عمر را در اختیار دارد برای مواجه شدن با آن روز وحشت زا خود را آماده می کند و در اندیشه تدارک و جبران مافات برمی آید و سعی می کند توشه کافی را برای آن روز - که به تعبیر قرآن هیچ مال و فرزندی برای او سودمند نخواهد بود - فراهم نماید.

از ویژگی های این روز آن است که روزی تلخ برای کافران و مجرمان (قمر/ 43 و 46 و 47) و روزی امن، نور، آرامش و آسایش برای مؤمنان (تحریم/ 8) و محسنان (یونس/ 26) است و چهره های مؤمنان و محسنان در آن زمان شادان به خداوند می نگرند و لذت معنوی می برد. از دیگر اوصاف و ویژگی های قیامت آن است که امری ناگهانی و غیر قابل پیش بینی برای انسان هاست و ناگهان واقع می شود بی آن که انسان متوجه آن شود. (انعام/ 31، یوسف/ 107، حج/ 55 و زخرف/ 66 و آیات دیگر)

خداوند در آیاتی این روز را روزی آشکار و قابل مشاهده برای همگان معرفی می کند؛ زیرا در این روز آنچه برای توده های مردم غیب بوده است به امر مشهود تبدیل می شود و همگان شاهد آن روز خواهند بود. (هود/ 103، و 3 همین سوره)

خداوند از بصیرت و آگاهی کامل انسان ها به احوال و اعمال خود در قیامت سخن به میان می آورد که چگونه ایشان در آن زمان خود را مشهود می بینند و شاهد و مشهود یکی می شود. (قصص/ 75) بنابراین هر انسانی در قیامت، خود را چنان که در دنیا ساخته و پرداخته می بیند و همه پرده های غفلت دنیوی از میان برداشته می شود و حجاب تن از جان کنار می رود و حقیقت و شاکله وجودی خود ساخته انسان برایش آشکار می گردد. (سجده/ 12، ق/ 22 و قیامت/ 13 و 14)

در آن روز، خداوند با بدکاران سخن نمی‌گوید و به نظر رحمت به آنها نمی‌نگرد و از پلیدی گناه آنها را پاکیزه نمی‌کند و آنان در جهنم دارای عذاب سخت و دردناک خواهند بود: «لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران/77) اما آنان که در دنیا فرامین الهی را اطاعت کردند و از نواهی آن اجتناب کردند، دارای آسایش و آرامش خاصی هستند؛ در بهشتهایی هستند که نهرهایی از آب زلال و گوارا و نهرهایی از شیر، بی آن که طعمشان تغییر کند و نهرهایی از شراب ناب که نوشندگان را به حد کمال لذت بخشد و نهرهایی از عسل مصفی در آن وجود دارد و تمام میوه‌ها برای آنان مهیاست و بالاتر از همه لذات، مغفرت خداوندی است: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ» (محمد/15) در آنجا هر چه دلها میل و اشتها دارند و چشمها از آن لذت می‌برند مهیاست: «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ» (زخرف/72). البته عذاب و ثواب و بهشت و جهنم بعد از رسیدگی به حساب آنهاست. طبق فرمایش قرآن، حسابرسی، با میزان انجام می‌شود.

از دیگر ویژگی های قیامت، داشتن مواقف معین و ایستگاه ها و به اصطلاح امروزی پست های ایست بازرسی است که در آیاتی به آن اشاره شده است. این بدان معناست که در آن روز، انسان ها در هر ایستگاهی می بایست پاسخگوی موضوعی باشند. گفته شده توقف در هر ایستگاهی برای پاسخگوئی، 1000 هزار سال طول خواهد کشید. (انعام/27-30، سبأ/31، صافات/24)

میزان

یکی از نکاتی که در مورد روز قیامت مطرح است، مسأله میزان است که اعمال با آن سنجیده می‌شود. مراد از میزان چیست؟ علامه طباطبایی تعبیر بسیار لطیف و زیبایی دارند که آن را نقل می‌کنیم: «ظاهر آیات میزان، نشان می‌دهد که حسنات، موجب سنگینی میزان و سیئات موجب سبکی آن می‌شود؛ نه آن که حسنات وزن شوند و مقدار سنگینی آن مشخص شود سپس گناهان وزن شوند و سنگینی آن مشخص شود پس این دو سنگینی با هم مقایسه شود تا روشن شود کدام سنگین تر است؛ اگر حسنه سنگین است، حکم به بهشت و اگر گناه سنگین تر است حکم به جهنم شود... بلکه مراد این است که حسنه، موجب سنگینی در میزان و سیئه موجب خفت آن می‌شود... به نظر می‌رسد در آنجا چیز دیگری است که اعمال به آن مقایسه می‌شود و سنگینی، مال آن چیز است؛ اگر از اعمال حسنه بود موجب سنگینی میزان و اگر سیئه بود که منطبق بر آن نشد و به آن وزن نشد باعث سبکی میزان می‌شود؛ کما این که در ترازوها اینگونه است چون در ترازو مقیاسی هست مانند مثقال که اشیا به آن

سنجیده می‌شود... در اعمال هم مقیاسی هست که با آن اعمال سنجیده می‌شود؛ مثلاً صلاة که به وسیله آن نمازها سنجیده می‌شود نماز کامل است و در زکاة و نظیر اینها نیز چنین است.» (طباطبایی، 1374 ش، ج 8، ص 948)

بنابراین، می‌توان گفت میزان، چیزی جز اعمال کامل نیست که اعمال با آنها سنجیده می‌شود و اما گناهان چون دارای مقیاس کامل نیست، سنجیده نمی‌شود بلکه گناه یعنی عدم کمال و نبودن آن و عمل خوب، موجب سبکی میزان می‌شود.

عناوین قیامت در قرآن

قرآن کریم از روز قیامت به اسامی و عناوین مختلفی یاد می‌کند و در هر یک وجهی از وجوه آن را بیان می‌کند. پاره ای از این اسامی بدین قرار است:

الف - یوم القیامة : این کلمه که 170 بار در قرآن آمده ، مصدر است به معنای برخاستن. آن روز ، روزی است که انسان ها از قبر برمی خیزند و ممکن است قیامت به این معنا باشد که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پا می ایستند: « یَوْمَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ روزی که مردم برای پروردگار جهانیان به پا می خیزند.» (مطففین / 6)

ب - یوم الجمع : روزی که همه مردم از اول تا آخر همه در یک صحنه جمع می شوند. شاید دلیل آن این باشد که اعمال هر انسانی بر زندگی سایر آدمیان در طول تاریخ تأثیر دارد و محاسبه اعمال بدون حضور همگانی به انجام نمی رسد. « قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ یَوْمٍ مَّعْلُومٍ ؛ ای رسول بگو البته تمام خلق اولین و آخرین زنده می شوند و همه در وعده گاه روز معین محشر جمع می گردند.» (واقعه/ 49-50)

ج - یوم البعث (روز برانگیخته شدن): «وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ یَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا یَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِنَّا كُنَّا لَا تَعْلَمُونَ ؛ کسانی که بدیشان علم و ایمان عطاء شده است ، می‌گویند : شما بدان اندازه که خدا مقدر فرموده بود (در دنیا و جهان برزخ) تا روز رستاخیز ماندگار بوده‌اید ، این روز رستاخیز است ولی شما نمی دانسته‌اید (که چنین روزی حق است و فرا می‌رسد)». (روم/ 56)

د - یوم الخروج (روزی که آدمیان از قبرها خارج می شوند): « یَوْمَ یَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ یَوْمُ الْخُرُوجِ ؛ روزی که آن آواز سهمناک را به حق می شنوند ، آن روز ، روز بیرون شدن از گور است.» (ق/ 42)

هـ - یوم الحسرة : حسرت به معنای اندوه و غم برای چیزی از دست رفته است ، شاید قیامت به این معنا روز حسرت است که کافران برای از دست دادن سعادت جاودانه و دیگران برای پاره ای قصور و کوتاهی های خود و

در نتیجه بر از دست دادن درجات والاطر حسرت می خورند. « وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ آنان را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است) بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی آورند!» (مریم / 39)

و - **يوم الفصل:** فصل، جدا کردن دو چیز از یک دیگر است، قیامت روزی است که حق و باطل آشکار شده از هم جدا می شوند، زیرا در دنیا، باطل گاهی صورت حق به خود می گیرد و یا میان پرهیزگاران و مجرمان فاصله می افتد. « وَامْتَأَنُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ؛ و ای گناه کاران، امروز از بی گناهان جدا شوید » (یس / 59)

ز - **يوم الازفه:** یعنی روز بسیار نزدیک، در آیات متعددی به نزدیک بودن قیامت هشدار داده شده است: « وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِئِينَ؛ و آن ها را از آن روز قریب الوقوع بترسان، آن گاه که جان ها به گلوگاه می رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند. » (غافر / 18)

ح - **يوم الحساب:** روزی که به محاسبه اعمال آدمی پرداخته می شود. « إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می روند، به سزای آن که روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی سخت خواهند داشت! ». (ص / 26)

ط - **يوم التلاق:** یعنی روز ملاقات، قیامت روزی است که همه ی خلایق، یا خالق و مخلوق، یا انسان و عملش، یا اهل آسمان و زمین یک دیگر را ملاقات می کنند. وجه دوم را آیاتی تأیید می کند که لقای پروردگار را در قیامت مطرح می کند. « رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ؛ روزی که اهل آسمان با زمینیان روبه رو می شوند. (طباطبایی، 1374ش، ج 17، ص 318)

ی - **يوم التناد:** یعنی روز ندا، روزی که اهل عذاب یک دیگر را ندا می کنند یا اهل عذاب و اهل سعادت یک دیگر را ندا می کنند. « يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ؛ از امام صادق (علیه السلام) روایت شده فرمود: «يوم التناد» روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطا فرموده ما را مستفیض کنید....». (ابن بابویه، 1403ق، ص ۱۵۶، ح ۱؛ عروسی حویزی، 1415ق، ج ۴، ص ۵۱۹)

ک - **يوم الاخر:** جهان دیگر را آخرت و «يوم الآخر» گویند؛ زیرا در مقابل دنیا و در برابر خاستگاه اول است و یا دیدی عمیق تر می توان گفت: آخرت تمهه ی این دنیا است. از این رو از آن به «عقبی الدار» یاد شده است، مانند: « وَ سَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عَقَّبَى الدَّارَ؛ کافران به زودی خواهند دانست که سرای دیگر از آن کیست. » (رعد / 42)

دیگر از اسامی قیامت، یوم الخلود (روز جاودانگی)، یوم الوعید (روز تهدید)، یوم التغابن (روز مغبون کردن یک دیگر)، یوم الدین (روز جزا)، الدار القرار (سرای پایدار) و... است. (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، کد: 100115113/4)

مدت زمان قیامت

قرآن مجید در یک آیه هنگامی که از روز قیامت سخن می گوید آن را به عنوان یک روز بسیار طولانی معرفی می کند. در یک جا می فرماید: فرشتگان و روح به سوی او عروج می کنند در آن روز که مقدارش پنجاه هزار سال است. «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»؛ (معارج/ 4)

البته تعبیر به «پنجاه هزار سال»، از این نظر است که آن روز، برحسب سال های دنیا تا این حد ادامه پیدا می کند و در جای دیگر مقدار آن را یک هزار سال تعیین می نماید. لازم به ذکر است که بین این دو آیه، منافاتی وجود ندارد؛ زیرا همانگونه که در روایات وارد شده است: «در قیامت پنجاه موقوف است و هر موقوف به اندازه یک هزار سال طول می کشد.» (عروسی حویزی، 1415ق، ج 7، ص 473) البته بعضی دیگر نیز احتمال داده اند، عدد پنجاه هزار سال، برای تکثیر باشد نه بیان تعداد؛ یعنی آن روز بسیار طولانی است. (مکارم، 1374ش، ج 25، ص 16)

قیامت در چه زمانی اتفاق می افتد؟

زمان دقیق قیامت و این که در چه زمانی اتفاق می افتد معلوم نیست اما در آیات و روایات شواهد و علاماتی برای زمان وقوع آن ذکر شده است که به سه دسته تقسیم می شوند:

الف - حوادثی که قبل از پایان جهان محقق می شود: یکی از حوادث قبل از قیامت، بعثت آخرین پیامبر است. و از دیگر نشانه های پایان یافتن این عصر دودی است که در آسمان ظاهر می شود. قرآن می فرماید: منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد. (دخان / 10) یکی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) از معنای دخان (دود) سؤال کرد، حضرت فرمود: «دودی است که بین مشرق و مغرب را پر می کند و چهل شبانه روز باقی می ماند اما مؤمن حالتی شبیه به زکام به او دست می دهد و کافر همچون مستان خواهد بود و دود از بینی و گوش ها و پشت او بیرون می آید.» (طباطبایی، 1374ش، ج 15، ص 207-208)

ب - حوادثی که در آستانه پایان جهان پدیدار می‌شود:

1. کوه‌ها بعد از مقدماتی متلاشی می‌شود: کوه‌ها در ابتدا به لرزه در می‌آیند (مزمّل / 14) بعد از جا کنده می‌شوند سپس به حرکت درمی‌آیند. و در هم کوبیده می‌شوند. آن گاه به صورت توده‌ای از شن‌های متراکم درمی‌آیند بعد به صورت گرد و غبار پراکنده می‌شوند. (واقعه / 6 و 5)
2. دریاها برافروخته و منفجر می‌شوند: «آن زمان که دریاها منفجر گردد (انفطار / 3) در آن هنگام که دریاها برافروخته شود». (تکویر / 6)
3. زلزله‌های عظیم و ویران‌گر: زلزله‌های بی سابقه و عظیمی تمام کره خاکی را به لرزه درمی‌آورد، همه چیز در هم ریخته و از بین می‌رود و تمام انسان‌ها در لحظه‌ای کوتاه مدفون می‌شوند: «ای مردم! از پروردگارتان بترسید و پرهیزگاری پیشه کنید که زلزله رستاخیر مسئله مهمی است». (حج / 1)
4. تاریک شدن خورشید و ماه و ستارگان: «در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند». (تکویر / 2-1)
5. شکافته شدن آسمان و کرات: «در آن هنگام که آسمان شکافته شود». (انشقاق / 1)

ج - حوادثی که در آغاز رستاخیر و بازگشت به حیات مجدد ایجاد می‌شود:

مرحله آخر در قیامت، حوادثی است که بعد از اتمام دو مرحله قبل پدید می‌آید: « وعده الهی در آن روز تحقق می‌یابد که این زمین به زمین دیگر و آسمان‌ها (به آسمان‌های دیگر) مبدل می‌شود و انسان‌ها در پیشگاه خدا ظاهر می‌گردند». (ابراهیم / 48) بعد از حوادثی که به دنبال آن جهان متلاشی می‌شود، اینک نوبت انسان‌ها است که وارد صحرای محشر شده، و ثمره اعمالی را که در دنیا انجام داده است، مشاهده می‌کند.

قیامت در روایات

روایات اهل بیت علیهم السلام در مورد قیامت به مسائل و جهات متعددی توجه دارند که همگی آنها حکایت از انکار ناپذیری معاد و قیامت دارد. بعضی از موارد بیان شده در روایات عبارت‌اند از:

الف: درخواست ایمن بودن در قیامت: امام علی (علیه السلام) می فرمایند: خدایا از تو امان می طلبم در آن روزی که نه مال و ثروت به کار آید و نه فرزندان، مگر کسی که با دلی پاک به سوی خدا بیاید. (مجلسی، 1403ق، ج 94، ص 109) که ابزار ایمن بودن در قیامت را برخوردار از دل پاک می داند.

ب: بیان موجبات سرور و خوشحالی در قیامت: امام رضا (علیه السلام) یکی از موجبات سرور در قیامت را چنین بیان می کنند: کسی که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه اش باشد خداوند روز قیامت را روز شادی و سرورش می گرداند. (ربانی و موسوی، 1382ش، ص 134، ح 492) در روایت دیگری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: هر کس کودک خردسالی از نسل خود را راضی کند تا خشنود شود خداوند در روز قیامت در پی خشنودی او باشد تا آن گاه که خشنود شود. (همان، ص 95، ح 324)

ج: بیان وسیله رفع اندوه در قیامت: امام رضا (علیه السلام) می فرماید: هر کس اندوه مؤمنی را بزداید خداوند در روز قیامت غم از دلش می زداید. (کلینی، 1407ق، ج 2، ص 200)

د: بیان چشم های گریان در قیامت: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می فرماید: ای فاطمه، همه چشم ها در روز قیامت گریان است جز چشمی که بر مصیبت های حسین (علیه السلام) بگرید. (مجلسی، 1403ق، ج 44، ص 293).

ه: بیان این که مرگ برای مؤمن موجب رسیدن به نعیم ابدی است: امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا خطاب به اصحاب باوفایش می فرماید: ای فرزندان کرامت و آقایی، اندکی صبر پیشه کنید که مرگ جز پلی نیست که از آن عبور داده می شوید و از زندگی نکبت بار و سخت این جهان و این شرایط، به سوی بهشت و نعمت های دائمی آن رهسپار می گردید. (ناطقی، 1382ش، ص 63)

و: امام حسن (علیه السلام) می فرماید: مرگ بزرگ ترین شادی و خوشنودی است که بر مؤمن وارد می شود هنگامی که از این خانه و زندگی سخت و مشکل به سوی یک زندگی پر نعمت ابدی پرواز می کند. (مجلسی، 1403ق، ج 6 ص 154) و ...

اینها بخشی از روایاتی است که اصل قیامت را اثبات و بسیاری از ویژگی های آن را بیان فرموده است. بر این اساس با این ادله محکم هیچ گونه شک و تردیدی در امکان و وقوع معاد باقی نمی ماند.

نتیجه

در قرآن کریم، قریب به هزار و چهارصد آیه درباره قیامت است؛ در حالی که آیات مربوط به فقه و احکام عملی از پانصد آیه تجاوز نمی‌کند. علت این تأکید آن است که قرآن عامل اصلی انحراف انسانها از مسیر الهی را فراموشی روز قیامت می‌داند: «إِنَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص / 26) یعنی: آنان که از راه خدا گمراه شوند، برای آنها عذاب سختی است به دلیل آن که روز حساب را فراموش کرده‌اند. دلیل آن هم روشن است: وقتی انسان قیامت را فراموش کرد به حیات دنیوی راضی می‌شود؛ در نتیجه فقط به فکر امور دنیوی خویش خواهد بود و همین باعث می‌شود هر چه در توان دارد برای خویش انجام دهد؛ هر چند منجر به اذیت و ظلم به دیگران شود. در چنین حالتی، آنچه حرف اول را می‌زند منفعت شخصی است .

یاد قیامت یادآوری هدف خلقت انسان است و موجب آبادانی دنیا و آخرت انسان خواهد شد. بدون شک، ما در حرکت، دگرگونی و انقلاب مداوم روح و نفس، بسوی پروردگار خویش، غایت و هدف جهان هستی، مراتب حیات را پشت سر می‌گذاریم و در آخرین سیر و آخرین مرتبه به جهان رستاخیز وارد شده و با طی منازل و موافق قیامت به سوی کمال مطلوب می‌شتابیم.

چگونگی زندگی در حیات مادی و دنیوی نشان می‌دهد که غایت، مطلوب و نهایت کار انسان این جهان نمی‌تواند باشد، چرا که انسان در این جهان در بطن مشکلات، سختی‌ها، بدی‌ها و ... با کوشش خستگی ناپذیر زندگی می‌کند، پس چگونه می‌تواند بی‌هدف، حساب و کتاب، میزان و پاداش، این عالم ماده را پایان کار خود بداند.

علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٌ؛ دنیا خانه عبور و آخرت خانه اقامت است» (نهج البلاغه خطبه 203). آخرت است که به دنیا معنی می‌دهد، زیرا مقصد است که به حرکت و تکاپو معنی و مفهوم می‌دهد. اگر جهان آخرت که جهان جاودانگی است نبود، جهان مقصد نهایی نداشت که واقعا مقصد باشد نه «مرحله» و «منزل»، گردش روزگار چیزی از نوع سرگشتگی بود و به اصطلاح قرآن خلقت و آفرینش «عبث» و «باطل» و «لعب» بود. اما پیامبران آمده‌اند که جلو این اشتباه اساسی را بگیرند و ما را به حقیقتی آگاه سازند که ندانستن آن سراسر هستی را در نظر ما پوچ و بی‌معنی می‌کند و اندیشه پوچی را در مغز ما رسوخ می‌دهد. با رسوخ اندیشه پوچی و به عبارت دیگر با پوچ‌پنداری، خود ما به صورت موجودی پوچ و بی‌معنی و بی‌هدف درمی‌آییم. یکی از آثار ایمان و اعتقاد به عالم آخرت این است که ما را از پوچ‌پنداری و پوچ‌بودن نجات می‌بخشد و به ما و اندیشه و هستی ما معنی می‌دهد.

منابع

1. قرآن مجید
2. نهج البلاغه
3. ابن منظور، محمد بن مکرم، 2008م، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
4. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، 1403ق، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین.
5. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1374ش، مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی.
6. ربانی، هادی و موسوی، سید محسن، 1382ش، آینه یادها، قم، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.
7. سعیدی مهر، محمد، 1383ش، آموزش کلام اسلامی، قم، نشر طه.
8. طباطبایی، سید محمدحسین، 1378ش، شیعه در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
9. همان، 1374ش، المیزان، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
10. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، 1415ق، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
11. کلینی، محمد بن یعقوب، 1407ق، اصول کافی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
12. لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، کد: 100115113/4
13. مجلسی، محمد باقر، 1403ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
14. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، 1382ق، محقق: ابوالحسن شعرانی، تهران، مکتبه الاسلامیه.
15. مطهری، مرتضی، 1373ش، معاد، تهران، نشر صدرا.
16. مکارم شیرازی، ناصر، 1374ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
17. همان، 1375ش، پیام قرآن، قم، نشر مدرسه امیر المومنین.
18. ناطقی، محمدتقی، 1382ش، آن سوی مرزها یا جهان پس از مرگ، قم، نسیم انتظار.